

تحلیل ساختاری و تطبیق مضامین آثار قلمزنی دوره‌های صفوی و معاصر*

مرجان فغفوری**

مهران هوشیار***

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۶

چکیده

هنر قلمزنی در دوره اسلامی، مضامین متنوعی را در قالب‌های گوناگون ارائه داده است. از آن میان، دوره صفوی با اعلام «تشیع» به عنوان مذهب رسمی کشور، هنرمندان قلمزن را به خلق آثاری مملو از هویت اسلامی- ایرانی خویش ترغیب نمود. هنر قلمزنی دوره معاصر نیز با بهره‌گیری از سبک اصیل و سنتی فلزکاری ایران، در نهایت مهارت و ظرافت در حال اجراست. به دلیل مشابهت‌های بی‌شمار بافت فرهنگی و دینی ایران در این دو مقطع تاریخی، نمونه آثار شاخص قلمزنی هر دو دوره در یک قاب مورد تطبیق قرار گرفته‌اند. هدف این پژوهش، یافتن وجوه تشابه شکلی و تفاوت‌های ساختاری این آثار در رویکردی تحلیلی است. پرسش‌های پژوهش نیز در همین راستا و عبارتند از: با وجود ساختار حکومتی مشابه در ادوار صفوی و معاصر، مهم‌ترین وجوه تمایز و تشابه میان هنر قلمزنی این دوره‌ها به لحاظ مضمون نقوش به کاررفته در آن‌ها چیست؟ مطالعه ارتباط معنادار میان کاربرد و موضوع‌سازی آثار قلمزنی دوره صفوی، چه کمکی به رونق قلمزنی دوره معاصر خواهد کرد؟ روش انجام تحقیق به لحاظ ماهیت، ترکیبی از روش‌های تاریخی، توصیفی، تطبیقی و تحلیلی است و شیوه گردآوری اطلاعات آن مبتنی بر مطالعات اسنادی، منابع کتابخانه‌ای (بهره‌گیری از نتایج مدون مقالات علمی مرتبط)، مشاهده منابع موزه‌ای و مصاحبه است. در نهایت این نتیجه قابل استنباط است که آثار قلمزنی عصر صفوی در استفاده مکرر از خط نستعلیق برای اشعار فارسی، واجد اصل ملی‌گرایی و در استفاده از خط‌های ثلث و نسخ برای آیات، ادعیه، اسامی ائمه و صلوات کبیره متعهد به اصل تشیع بوده‌اند. قلمزنان دوره معاصر نیز با طبیعت‌نگاری، مجلس‌سازی، صحنه‌های مربوط به شکارگاه و نبرد، نمایش زندگی روزمره مردم عادی و طبقه کارگر، آثاری مملو از هنر نگارگری ایران در عصر صفوی و پس از آن را خلق می‌کنند. مضامین ادبی و عرفانی، اوج اشتراک معنایی قلمزنی این دو دوره است.

کلیدواژه‌ها:

هنر قلمزنی، دوران صفوی، نقش مایه ایرانی، مضامین شیعی، دوره معاصر.

* این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده اول با عنوان «مطالعه تطبیقی قلمزنی دوره صفوی با دوره معاصر از منظر نقشمایه، مضمون و عرضه در بازار» است که با راهنمایی مرحوم دکتر عبدالکریم عطارزاده در دانشگاه سوره به انجام رسیده و نگارش مقاله حاضر به راهنمایی نگارنده دوم انجام پذیرفته است.

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، گروه هنر اسلامی، دانشگاه سوره، تهران، ایران (نویسنده مسئول) / marjan.faghfouri@yahoo.com

*** دانشیار، گروه مطالعات عالی هنر، دانشگاه سوره، تهران، ایران / houshiar@soore.ac.ir

۱. مقدمه

در عصر صفوی شاهد شکوفایی هنر و تمدن اسلامی در زمینه‌های گوناگون هستیم. با حمایت گسترده شاهان صفوی از هنرمندان رشته‌های مختلف، تولیدات ایرانی راه توسعه تا بازارهای اروپایی را به سرعت پیمودند. در این دوران شاهد نوزایی در مضمون‌سازی توسط هنرمندان فلزکار هستیم. به لحاظ زیبایی‌شناسی نیز، قلمزنی دوره صفویه از مهارت‌های غنی اجرا بهره می‌برد که متکی بر پشتوانه هنر تصویرگری است. لذا قلمزنی ایران عصر صفوی به اوج شکوفایی می‌رسد، اگرچه این روند در دوره قاجار تا حدود زیادی به افول می‌گراید. هنر قلمزنی در دوره معاصر بار دیگر احیا می‌شود، به گونه‌ای که شاهد شکوفایی بی‌سابقه هنر قلمزنی در همه سبک‌ها و بر روی انواع فلزات هستیم. هنرمندان قلمزنی معاصر، با طرح‌هایی بدیع و مهارتی شگرف، در حال توسعه چشمگیر هنر فلزکاری ایران هستند. اگرچه بازار قلمزنی ایران، امروزه به‌خصوص در شهر اصفهان رونق دارد اما به نظر می‌رسد ظرفیت رشد فزاینده‌ای را داراست. آثار قلمزنی امروز ایران به دو دسته بازاری و موزه‌ای تقسیم می‌شوند. اغلب مخاطبان آثار موزه‌ای قلمزنی معاصر، مجموعه‌داران می‌باشند که با خرید این اشیاء تزئینی، بیش‌تر در پی سرمایه‌گذاری روی آثار استادکاران این هنر هستند. آثار ساده‌تر نیز که با قلم‌های ابزاری و فرم‌های تکرارشونده اجرا می‌شوند، اغلب توسط مردم عامه و با عنوان شیء تزئینی خریداری می‌شوند.

امروزه تکنیک ساخت و اجرای آثار قلمزنی در مقایسه با گذشته تنوع بیش‌تری دارد و شاهد اجرای سبک‌های تاریخ فلزکاری ایران، پیش و پس از اسلام هستیم. پژوهش حاضر با تطبیق مضامین آثار این دو دوره، قصد دارد ضمن تأکید بر لزوم انجام مطالعات نظری در این زمینه، هنرمندان معاصر شاخه قلمزنی را به بازنگری در طراحی و انتخاب پیکره (قالب) ترغیب کند. پژوهشگر معتقد است با بازنده‌سازی سنت‌ها و مفاهیم اصیل گذشته در قالب‌های روزآمد و تولید اشیاء قلمزنی کاربردی (و نه صرفاً تزئینی و موزه‌ای)، می‌توان به رونق بازار قلمزنی معاصر کمک کرد. برای نمونه و برای روشن شدن موضوع، اگر در دوره صفوی قلمزنی روی مرکب‌دان مرسوم بوده، امروزه انتخاب پیکره جایگزین (قالب حافظه‌های فلش) می‌تواند در احیای بازار مؤثر باشد. مرکب‌دان صفویه که از محصولات پرفروش در اروپا و غرب بوده (احسانی، ۱۳۹۰: ۱۷۹)، تقاضای بازار امروز نیست و تکرار ساخت این اشیاء کمی به رونق بازار نخواهد کرد. مفروض است مضامین آثار قلمزنی عصر صفوی در راستای کاربرد اشیاء بوده و شکوفایی هنر قلمزنی دوره صفوی مرهون موضوع‌سازی برای اشیاء کاربردی مورد تقاضای بازار بوده است. هم‌چنین این پژوهش در تلاش است به این پرسش پاسخ دهد که با وجود ساختار حکومتی مشابه از نظر ملی - مذهبی در ادوار صفوی و معاصر، مهم‌ترین وجوه تمایز و تشابه میان هنر قلمزنی در این دوره‌ها به لحاظ موضوع‌سازی و مضامین نقوش به کاررفته در آن‌ها چیست؟ هم‌چنین مطالعه ارتباط معنادار میان کاربرد و موضوع‌سازی آثار قلمزنی دوره صفوی، چه کمکی به رونق قلمزنی دوره معاصر خواهد کرد؟

۲. روش پژوهش

روش انجام این پژوهش به لحاظ ماهیت، ترکیبی از روش‌های تاریخی، توصیفی، تطبیقی و تحلیلی است و شیوه گردآوری اطلاعات آن، مبتنی بر مطالعات اسنادی، منابع کتابخانه‌ای (بهره‌گیری از نتایج مدون مقالات علمی پیشین)، و مطالعات میدانی (مشاهده و مصاحبه) است. آثار قلمزنی عصر صفوی هم‌چون دیگر آثار هنری ایران، در موزه‌های اقصی نقاط جهان پراکنده‌اند. نمونه‌های مورد مطالعه در این پژوهش شامل آثار موجود در موزه‌های ویکتوریا و آلبرت لندن، هرمتاژ روسیه، بخش دوران اسلامی موزه ایران باستان، منابع مکتوب و... است. فراوانی آثار قلمزنی دوره صفوی در سه موزه فوق بیش‌تر است که احتمالاً به دلیل روابط تجاری گسترده صفویان با جهان و به‌خصوص اروپاست. هم‌چنین نمونه‌های مورد مطالعه، دارای ارزش‌های هنری و بصری برتری نسبت به کارهای تولیدی و بازاری در همان دوره‌اند.

نمونه‌های آماری معاصر نیز به آثار راه‌یافته به «گالری مس‌نگار تهران» تعلق دارند. گالری مس‌نگار تهران در سال ۱۳۷۱ ه. ش با هدف ارائه آثار برجسته هنرمندان فلزکار معاصر ایرانی تأسیس شد. این گالری آثار فاخر هنرمندان دواتگر و قلمزنی ایران را که در عرصه جهانی منحصر به فرد هستند، به نمایش می‌گذارد. آثار هنری این گالری در نمایشگاه‌هایی در کشورهای آلمان، ایتالیا، کانادا، ژاپن، مکزیک، آرژانتین، سوئد و عربستان سعودی نیز مورد استقبال قرار گرفته است. وجوه تمایز گالری مس‌نگار از دیگر گالری‌ها که ما را بر آن داشت تا این محدوده را به عنوان نمونه آماری این پژوهش برگزینیم، شامل موارد زیر است:

۱) هنرمندان راه‌یافته به گالری مس‌نگار ضمن پیروی از سبک اصیل و سنتی قلمزنی ایران، روی خط مرزی از سنت و مدرنیسم حرکت می‌کنند. ۲) گالری مس‌نگار با برگزاری نمایشگاه‌های سالانه به معرفی هنرمندان مشهور ایرانی می‌پردازد. ۳) در اکسپوهای فروش این گالری،

مجموعه‌داران ایرانی، آثار هنرمندان را خریداری و در حراج‌های هنری خارج از کشور ارائه و معرفی می‌کنند. (۴) تاکنون گالری مس‌نگار به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، در ده‌ها نمایشگاه داخلی و خارجی شرکت داشته‌است. در این پژوهش، پس از مطالعه ۱۶ نمونه آماری، از منظر مضمون به تحلیل آثار قلمزنی صفوی و معاصر در یک جدول تطبیقی خواهیم پرداخت (جدول ۲).

۳. پیشینه پژوهش

فروغ عمویان (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «مضامین شیعی در کاسه‌های فلزی دوره صفویه» و با هدف شناخت و مطالعه کاسه‌های دعایی و جام‌های تقال صفوی، در تلاش است تا وجه تمایز شکل و عملکرد این ظروف و نمادهای ملی، مذهبی و عرفانی آن‌ها را تحلیل کند. مهناز انصاری (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «تجلی مفاهیم قرآنی، ذکر و عرفان اسلامی در ساخت و تزئین کاسه‌های دعایی عصر صفوی»، با مطالعه موردی کاسه‌های دعایی صفویه، این زمان را یکی از دوره‌های درخشان تمدن ایرانی - اسلامی می‌داند. او معتقد است آثار این دوره که متأثر از مذهب شیعه هستند، به عالی‌ترین صورت، بیانگر آمیختگی مذهب و هنر است. محمد افروغ و علیرضا نوروزی طلب (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «هویت اسلامی - ایرانی در فلزکاری عصر صفوی: با تأکید بر کتیبه‌های موجود بر روی آثار فلزی»، دوره صفوی را نقطه عطفی در تاریخ ایران دانسته و از آن به‌عنوان شروع مرحله جدیدی در تاریخ ایران دوران اسلامی یاد می‌کنند. به نظر این نگارندگان، دو عنصر مهم «مذهب تشیع» و «هویت ملی» در حکومت صفوی برجسته می‌شوند. آن‌ها معتقدند هویت از یاد رفته ایرانیان پس از حدود نه قرن، از سقوط ساسانیان تا روی کار آمدن صفویان، دیگر بار و با رنگ و بوی اسلامی زنده شد و هنرمندان سنتی جامعه صفوی به‌خصوص هنرمندان فلزکار، احیاگر نشانه‌ها و نمادهای مذهب تشیع و هویت ملی و ایرانی شدند. در این پژوهش، رواج اشعار و متون فارسی با خط ایرانی نستعلیق، مصداق هویت ملی در نظر گرفته شده‌است. فروغ عمویان (۱۴۰۰) در رساله خویش با عنوان «پژوهشی در تبیین مؤلفه‌های تداوم و تحول در هنر فلزکاری در دوره صفوی»، ضمن پرداختن به صور تحول در هنر فلزکاری دوره صفوی (با تأکید بر کاسه‌ها و جام‌ها)، فلزکاری صفویه را تداوم سنت‌های سلجوقی و تیموری می‌داند و هم‌چنین بر خوانش ایرانی صفویه از دین اسلام تأکید می‌کند. علی اسماعیل نژاد (۱۳۹۱)، در پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی فناوری و زیبایی‌شناسی فلزکاری دوره صفوی»، ظهور اشکال جدیدی چون شمعدان‌های ستونی، استفاده از مضامین ملی و مذهبی در کتیبه‌ها همراه با احیای فن تولید فولاد در تولید اشیای آیینی را از بهترین دستاوردهای فلزکاری دوره صفوی می‌داند. وجه تمایز اساسی پژوهش حاضر با پژوهش‌های پیشین، پرداختن به قلمزنی دوره معاصر است که تاکنون از نظر پژوهشگران مغفول مانده‌است.

۴. اهمیت هنر در دوره صفوی و فلزکاری و قلمزنی این عصر

هنر عصر صفوی، یکی از اوج‌های هنر ایران است. «ثبات، تمرکز و یکپارچگی دولت صفوی باعث شد تا سنت‌ها و هنر ایران باستان، مجال برای احیا و بازتعریف یابد» (عمویان، بلخاری، و آژند، ۱۴۰۱: ۱۳۲). بنابراین هنر ایرانی در قرون دهم و یازدهم ه.ق، وارد مرحله تازه‌ای از حیات خود شد. در این دوره برخی از سنت‌های هنری مغول کنار رفت و دست‌ساخته‌های نوینی همراه با ایدئولوژی جهان تشیع عرضه شد. عمر طولانی این سلسله و استحکام جنبه‌های مذهبی و فرهنگی، موجب تقویت سنت‌های هنری آن دوره شد. هنر صفویه به‌دلیل وجود دو شاخصه «مذهب تشیع» و «احیای هویت ملی» که توسط ایدئولوژی حاکمان صفوی به‌وجود آمد، به کیفیت، بیان و حتی به پیام خاصی تبدیل شد؛ و نوآوری در دستور کار هنرمندان این دوره قرار گرفت (افروغ و نوروزی طلب، ۱۳۸۹: ۸۶).

با روی کار آمدن صفویه، ایران پس از چند قرن که تحت حکومت‌های ملوک‌الطوایفی می‌زیست، صاحب یک حکومت ملی و مرکزی شد. در میان امیران نواحی مختلف، شاه اسماعیل، شاه طهماسب و شاه عباس که خود از هنر خط و نقاشی به‌رهمند بودند، توجه ویژه‌ای به هنرمندان داشتند (احسانی، ۱۳۹۰: ۱۷۷). به موازات ساخت آثار سفارشی دربار، کارگاه‌هایی جهت تولید آثار هنری کاربردی در بسیاری از شهرهای ایران راه‌اندازی شد. آثار هنری کاربردی بیش از پیش وارد زندگی مردم شدند. اداره متمرکز کشور و ارتباط تجاری مؤثر با غرب و اروپا نیز به رونق صادرات انجامید. ارتباط با اروپا، موجبات آشنایی هنرمندان ایرانی با هنر غرب را فراهم آورد و منجر به نوآوری در برخی از شاخه‌های هنری شد. ذکر این شاهدان مثال، مبین آن است که دولتمردان صفوی تا چه اندازه برای هنر، هنرمند و اصل هنرپروری اهمیت و ارزش قائل بوده‌اند.

قائینی، ضمن اشاره به تبدلات علمی و هنری صفویان با هند و اروپا می‌نویسد: «شاه عباس صفوی نخستین سلطان در تاریخ ایران بود که شاگردانی را به خرج دولت به شهر روم فرستاد تا هنر نقاشی را از هنرمندان ایتالیایی فراگیرند» (۱۳۸۸: ۹۴).

فلزکاری و به‌ویژه قلمزنی، اگرچه در انحصار هنرمندان جغرافیای جهان اسلام نبوده، لکن موردتوجه ویژه آنان بوده‌است. در این میان، فلزکاری عصر صفوی به دلیل وجود کارگاه‌های متعدد و اهتمام شاهان صفوی به توسعه هنرهای صناعی، دارای ویژگی‌های صوری و محتوایی تازه‌ای نسبت به دوره‌های قبل است. ازجمله ویژگی‌های شکلی می‌توان به قلعه‌اندودکردن ظروف مسی (که تداعی گر جلوه فلز نقره است) اشاره کرد. همچنین آثار فلزکاری این دوره از ظرافت و توازن بیش‌تری برخوردارند (احسانی، ۱۳۹۰: ۱۷۹). فلزکاری عصر صفوی، برپایه سنت‌های پیشین فلزکاری ایران شکل گرفت. آثار این دوره، مبین چیره‌دستی و نبوغ هنرمندان صفوی است. طراحان و نقاشان این زمان با ابداع شیوه‌های جدید، موازین تازه‌ای را در سبک‌های خود ایجاد کردند و در موارد بسیاری، شکل و ترکیب اشیای قدیم را که ظاهری زمخت، خشن و بزرگ داشتند، کنار نهادند. در این زمان، زیبایی و ظرافت جایگزین شدت و خشونت قدیم شد. برای نمونه، شمعدان‌های حجیم و بزرگ سلجوقی که بر بدنه‌ای طبل مانند قرار گرفته بودند و همچنین تشت‌های بزرگ دیواره‌بلند و تنگ‌های سنگین و حجیم با شمعدان‌های خوش‌قواره و زیبا و ظروف کوچک یا پارچه‌هایی کوتاه با اشکالی موزون جایگزین شدند (همان: ۱۷۹).

ملکیان شیروانی به سه نتیجه‌گیری عمده در مورد فلزکاری صفویه رسیده‌است: نخست آنکه فلزکاری صفویه دنباله میراث عصر تیموری به‌ویژه خراسانی است؛ دوم آنکه در زمان شاه عباس اول دو مکتب مشخص فلزکاری در ایران وجود داشت: یکی در خراسان و دیگری در آذربایجان؛ سوم آنکه می‌توان هم تمایلات صوفیانه و هم تمایلات شیعی را در کارهای دوره صفویه پیدا کرد و مکتب خراسان بی‌آنکه آشکار کند تأثیر عظیمی بر مکتب کلاسیک غرب ایران گذاشت. (سیوری، ۱۳۹۴: ۱۴۶)

با مطالعه شرایط دوره صفوی و میزان پیشرفت در تبلور هنرهای صناعی، به نظر می‌رسد که نقش تحولات این دوره نسبت به دوره‌های پسین و پیشین، از اهمیت بیشتری برخوردار است [...] هنرهای صناعی در دوره صفویه با مؤلفه‌هایی همچون وضعیت اصناف و اوضاع اجتماعی - مذهبی جامعه در ارتباط مستقیم بودند. طبقات مختلف جامعه از بازار، مسجد، سقاخانه، زورخانه تا دربار و حرمسرا و حتی اسطراب رمالان بر شکل‌گیری هنر فلزکاری و تغییرات آن سهیم بودند. این تغییرات از دل ساختارهای اجتماعی، مذهبی، اقتصادی و سیاسی برآمده‌است. (عموئیان، بلخاری، و آژند، ۱۴۰۱: ۱۲۹ - ۱۳۰)

۵. قلمزنی دوره معاصر

در حال حاضر، فلزکاری در ایران به‌رغم فرازونشیب‌های متعدد آن، در زمره صنایع دستی و هنرهای صناعی پررونق کشورمان به شمار می‌آید و شهر اصفهان هم‌چنان به‌عنوان مهم‌ترین مرکز تولید انواعی از آثار فلزی و هنرهای مرتبط با فلز کشور شناخته می‌شود؛ ضمن آن که باید از شهرهای تبریز، شیراز، تهران، زنجان، کرمانشاه، بروجرد و طیس نیز نام برد. فلزکاری در برخی از مناطق کشور ازجمله در شهرهای بروجرد و دزفول از رونق بسیار برخوردار بوده که امروزه شدیداً دچار رکورد شده، به طوری که تنها در بروجرد (یعنی مهم‌ترین مرکز ورشوسازی در گذشته و حال) می‌توان نشانی از آن یافت (یاوری، ۱۳۹۱: ۳۱-۵۸). امروزه بازار قلمزنی، طیف وسیعی از آثار را از نظر کمیت و کیفیت دربرمی‌گیرد. برخی از فعالان این حوزه به‌عنوان هنرمند - صنعتگر آثاری به اصطلاح بازاری تولید می‌کنند. در این دست آثار، نقوش ساده تکرارشونده با قلم‌های ابزاری (قلم‌هایی با فرم‌های آماده که با یک ضربه چکش و قلم، روی کار نقش می‌بندد)، بر روی پیکره‌های ساده و معمولاً سطوح اجرا می‌شوند. تکنیک کار ساده است، در نتیجه زمان اجرا هم بسیار کوتاه است. جنس فلز مس و برنج است و مخاطب این آثار طبقه متوسط و هنردوست جامعه است که در حد توان و با خرید این آثار به احیای هنر سنتی کشور کمک می‌کند. دیگر هنرمندان قلمزن که آثار نفیس و موزون‌ای خلق می‌کنند، به دو گروه مدرن و سنتی تقسیم می‌شوند. تکنیک اجرای آثار نفیس شامل جنده‌کاری و ریزقلم و پرداخت کار شامل سایه‌زنی و... بسیار وقت‌گیر بوده و دقت و مهارت بالایی می‌طلبد. هنرمندان سنتی و پیشکسوت معمولاً همان سبک‌ها و مکاتب ادوار پیشین را تکرار می‌کنند. اما هنرمندان جوان، هم در ساخت قالب و پیکره، هم در اجرای قلم و هم در انتخاب مضامین جهان‌شمول، شروع تغییرات نوآورانه را رقم زده‌اند. جنس این آثار، مس، برنج و نقره است که بخش‌هایی از آن‌ها مطلقاً می‌شوند. در جدول (۱)، زمینه‌ها و عوامل شکل‌دهنده هنر دوره‌های صفوی و معاصر ارائه شده‌اند.

جدول ۱: زمینه‌ها و عوامل شکل‌دهنده هنر دوره‌های صفوی و معاصر

دوره تاریخی	زمینه‌های مذهبی	زمینه‌های علمی - فرهنگی	زمینه‌های اجتماعی - سیاسی	زمینه‌های اقتصادی
دوره صفوی	<p>- استقرار تشیع به‌عنوان مذهب رسمی کشور که ایران را از همسایگان سنی‌مذهب جدا و خطر تجزیه ایران را دفع کرد (قائینی، ۱۳۸۸: ۵۱).</p> <p>- تبلور احساسات مذهبی مردم، اهتمام بیش از پیش به برگزاری آیین‌های مذهبی و مراسم ولادت و شهادت امام علی (ع) در سراسر کشور (همان: ۵۶).</p> <p>- احترام شاه عباس به پیروان دیگر ادیان و به‌خصوص آزادی مسیحیان در ساخت کیسا و انجام فرایض دینی (فلسفی، ۱۳۵۳، ج ۳: ۱۷-۱۸) بدون اجازه تبلیغ.</p> <p>- ضرب سکه‌هایی با عنوان «بنده شاه ولایت» توسط شاه طهماسب (اسکندربیک منشی، ۱۳۵۰: ۴۵).</p>	<p>- توجه به مضامین ادبی و عرفانی و اقبال هنرمندان به شعرای کلاسیک ایران</p> <p>- هم‌عصری با اندیشمندان و فیلسوفان بزرگ ایران اسلامی (عموئیان، بلخاری، و آژند، ۱۴۰۱: ۱۲۸) هم‌چون ملاصدرا، شیخ بهایی، میرفندرسکی، میرداماد و علامه مجلسی.</p> <p>- دعوت از استادکاران چینی توسط شاه عباس اول جهت آموزش به سفالکاران ایرانی (سیوری، ۱۳۹۴: ۱۴۱).</p> <p>- اعزام هنرمندان به اروپا و کشور ایتالیا جهت فراگیری هنر نقاشی (قائینی، ۱۳۸۸: ۹۴).</p> <p>- ارائه سبک مشخص هنری و الگوی موردقبول دربار از سوی رئیس کتابخانه سلطنتی (وندشعاری، ۱۴۰۰: ۷۶).</p>	<p>- ثبات حاکمیت/حکومت قدرتمند و متمرکز؛ تبلور احساسات ملی به‌خصوص در دفع خطر عثمانیان (حکومت مذهبی و ملی‌گرا)</p> <p>- ساخت جاده و کاروانسراها که بر ارتباطات و تعاملات صنعتگران و هنرمندان داخلی با هنرمندان ارمنی، ازبک، تاجیک، گرجی و عثمانی تأثیر گذاشت (Herbert, 1928: 143).</p> <p>- هردوستی حاکمان صفوی، حفاظت مستقیم حاکمان از جان هنرمندان شاخص در جنگ‌ها و تالطم‌های سیاسی - اجتماعی (سیوری، ۱۳۹۴: ۱۲۵؛ ایروین، ۱۳۸۹: ۱۳۵).</p> <p>- ایجاد دیپلماسی پایدار با جهان غرب (وندشعاری، ۱۴۰۰: ۷۷).</p> <p>- استخدام بردگان به‌عنوان سرباز توسط شاه عباس و ارائه آموزش‌های ادبی و هنری (شعر و نقاشی) به آنان (ایروین، ۱۳۸۹: ۱۳۷).</p>	<p>- تبدیل هنرهای محلی به صنایع ملی و نظام‌مند، که به گفته کروسینسکی^۳ که برای خزانه سلطنتی درآمدزایی داشته (سیوری، ۱۳۹۴: ۱۳۵-۱۳۸).</p> <p>- راه‌اندازی کارگاه‌های صنعتی متمرکز و خلق آثاری تحت نظارت هنرمندان شاخص (عموئیان، بلخاری، و آژند، ۱۴۰۱: ۱۲۸) با مخاطبانی از دربار و عامه مردم.</p> <p>- تخصیص دستمزد سالیانه ثابت به جمعی از هنرمندان شاغل در کارگاه‌های دولتی به گفته شاردن^۴ (ایروین، ۱۳۸۹: ۱۳۷).</p> <p>- ورود به بازارهای خارجی و به‌خصوص اروپا و رونق بیش از پیش تجارت.</p> <p>- سفارشی‌سازی برای دربار، بنا به اشاره آنتونی ولش^۵، فروش مستقیم آثار نقاشی به بازرگانان توسط هنرمندان اگرچه رایج نیست، اما وجود دارد (سیوری، ۱۳۹۴: ۱۲۸).</p>
دوره معاصر	<p>- استقرار تشیع به‌عنوان مذهب رسمی کشور.</p> <p>- تبلور احساسات مذهبی و اهتمام بیش از پیش به برگزاری آیین‌های مذهبی و بزرگداشت شعائر شیعی در سطح ملی.</p> <p>- احترام به پیروان ادیان ابراهیمی و توجه به حقوق اقلیت‌ها در قانون اساسی کشور (شعبانی، ۱۴۰۰: ۴۱) بدون اجازه تبلیغ.</p> <p>- فراگیری استفاده از نمادهای شیعی توسط حاکمیت و مردم.</p>	<p>- پاسداشت مشاهیر ادب فارسی و آموزش مضامین ادبی و عرفانی به‌طور گسترده در نظام آموزشی کشور.</p> <p>- رشد بی‌سابقه ظرفیت‌های نظری علوم؛ رشد فزاینده فرایند تولید علم؛ سهولت دسترسی به منابع کتابخانه‌ای و اسنادی برای همه.</p> <p>- توجه به احیای صنایع دستی؛ بازخوانی و معرفی میراث ملی و فرهنگی ذیل پژوهش‌های علمی.</p> <p>- موزه‌داری دولتی و مجموعه‌داری خصوصی.</p> <p>- شکل‌گیری جنبش هنر نوگرایی ایران؛ مواجهه هنرمندان با کثرت سبک‌ها و جنبش‌های هنری جهانی.</p>	<p>- نظام سیاسی مقتدر و متمرکز؛ تبلور احساسات ملی به‌خصوص در دفاع مقدس (حکومت مذهبی و ملی‌گرا).</p> <p>- دستیابی گسترده به شبکه‌های اجتماعی، ابزارهای ارتباطی و منابع تاریخی و علمی ایران و جهان.</p> <p>- استقلال سیاسی و شغلی هنرمندان.</p> <p>- دیپلماسی ناپایدار با جهان غرب به‌دلیل تحریم‌های مغرضانه و یک‌جانبه غرب علیه ایران.</p> <p>- آموزش هنرهای سنتی و نو به زندانیان و بعضاً اعزام آن‌ها به کارگاه‌های هنری نظیر قالی‌بافی.</p>	<p>- تفکیک فعالیت‌های هنری از صنعتی (تولیدات انبوه)؛ معافیت مالیاتی هنرمندان.</p> <p>- رشد کمی طبقه متوسط کشور و گسترش شهرنشینی و اقبال این طبقه به محصولات هنری بازاری؛ رواج فرهنگ مصرف‌گرایی.</p> <p>- عدم امنیت شغلی هنرمندان؛ اقبال طبقات مختلف جامعه به محصولات وارداتی.</p> <p>- حضور کمرنگ در بازارهای خارجی به‌دلیل تحریم‌های مغرضانه خارجی و نبود سیاست‌های یکپارچه داخلی.</p> <p>- فروش از طریق بازارهای فیزیکی و برخط؛ فروش از طریق حراج‌ها و نمایشگاه‌های فروش.</p>

صنایع
هنرهای ایران

دوفصلنامه علمی هنرهای صنعتی ایران
سال ششم، شماره ۲، پیاپی ۱۱
پاییز و زمستان ۱۴۰۲

دوره
معاصر

۶. ضرورت باززنده‌سازی قلمزنی عصر صفوی در بازار معاصر

آثار قلمزنی دوره صفوی، اعم از آثار فاخر درباری و تولیدات انبوه کارگاه‌های صنعتی، کاملاً کاربردی هستند. بنابراین طبقات مختلف اجتماع، مخاطب هدف این بازار بوده‌اند. در دوره صفوی، فرم، مضمون، تکنیک، جنس و... در خدمت خلق ظروف و اشیای موردنیاز زندگی روزمره مردم است. شایسته است قلمزنی معاصر نیز ساختاری اصیل و منحصر به دوره تاریخی و بستر اقتصادی و فرهنگی خود تعریف کند. بدیهی است که بازار، رمز زنده‌نگهداشتن هنرهای سنتی است و هنرمند معاصر برای ابقای صنایع دستی، نباید به یافتن جایگاه‌های موجود در بازار اکتفا کند، بلکه می‌تواند با ارتقای وزن نظری این حوزه و با تعریف فرصت‌هایی نوین در بازارهای داخلی و خارجی، ضامن حفظ، معرفی و توسعه صنایع دستی کشورش باشد. هم‌چنین ضروری است هویت فرهنگی و تاریخی مستتر در این هنرها، به نحوی روزآمد و کاربردی در اختیار نسل جوان و مخاطبان معاصر قرار بگیرد. پژوهش حاضر به هیچ‌روی ارزش آثار هنری را بر مبنای شاخصه‌های نظام سرمایه‌داری تعریف نمی‌کند، بلکه می‌خواهد (بدون ورود به حوزه علم اقتصاد هنر) نظر هنرمند معاصر را به این مهم جلب کند که هم‌راستایی مضمون و کاربرد با یکدیگر، قلمزنی دوره صفوی را به اوج شکوفایی رساند. مدلی که باززنده‌سازی آن در دوره معاصر، و با در نظر گرفتن نیازهای روز جامعه قابل اجراست. به نظر می‌رسد تکرار ساخت آثار فلزکاری دوره‌های تاریخی پیشین، بی‌تأثیر از نظام استاد-شاگردی نباشد. اما می‌توان با تأمین پشتوانه علمی و نظری این هنر سنتی، هنرمندان قلمزن را به پی‌ریزی چهارچوب‌های فکری و سبک انحصاری بازار امروز فلزکاری ایران ترغیب نمود.

۷. مطالعه تحلیلی - تطبیقی قلمزنی عصر صفوی و دوره معاصر از منظر مضمون

در توضیح تفصیلی این بخش، یادآوری چند نکته ضروری است، نخست آن که در جمع‌آوری آثار فلزکاری دوره صفویه از موزه‌های یادشده، تنها آثاری انتخاب شدند که در سند موزه و شناسنامه اثر، تکنیک اصلی کار «قلمزنی» است. در ادوار مختلف تاریخی آثاری وجود دارند که صنعتگر در حین ساخت در بخش‌های بسیار محدودی از کار، از ابزار قلم بهره گرفته، اما عنوان کلی تکنیک کار، قلمزنی نیست. دوم آن که اسناد و شناسنامه‌های مربوط به تعدادی از آثار موزه‌های خارجی، با همان اسناد در پایان‌نامه‌ها و کتاب‌ها مغایرت دارند. اطلاعات اثر در این پژوهش، به شناسنامه آن اثر در موزه استناد می‌کند. نکته دیگر آن که در انتخاب نمونه‌های آماری از ورود به علم‌سازی، ساخت جنگ‌افزار و ساخت اشیاء مربوط به علم نجوم پرهیز شد. چرا که هریک از آن‌ها دارای مباحث گسترده و عمیقی است که در این مجال نمی‌گنجند. ضمناً همان‌طور که در سطور بالا اشاره شد، تکنیک ساخت این آثار اغلب از فولادسازی، مشبک‌سازی و طلاکوبی پیروی می‌کند و به‌ندرت قلمزنی شده‌اند. پیشینه پژوهش نیز روشن می‌سازد که در حوزه‌های یادشده، مکتوباتی اختصاصی و متمرکز تدوین شده‌است. جامعه آماری قلمزنی معاصر ایران بسیار وسیع است. بنابراین باید دقت شود که نمونه‌های آماری پژوهش، فضای روشن و جامعی از ویژگی‌های محتوایی و بصری این دوره را ارائه دهند. نتایج مطالعات آماری پیش‌تولید پژوهش نشان داد که مجموعه داخلی «گالری مس‌نگار تهران» آثار معاصر متعلق به هنرمندان و اساتید برجسته و صاحب‌سبکی را در خود جای داده‌است. این آثار، تمامی سبک‌های قلمزنی معاصر را شامل می‌شوند. به‌منظور تطبیق آثار قلمزنی دوره‌های صفوی و معاصر، جدول (۲) شامل همه اطلاعات شکلی و محتوایی، طرح و تدوین شده‌است.

به‌طور کلی، به‌کارگیری نقش‌مایه‌ها در طراحی یک اثر قلمزنی به دو صورت انجام می‌شود: نخست آن که نقش‌مایه‌ها بدون پیگیری مضمون و موضوعی مشخص، صرفاً جهت تزئین در کنار هم قرار می‌گیرند. به بیان روشن‌تر، هنرمند به‌دنبال ارائه طرحی است که به‌لحاظ صورت، پخته و کامل باشد. در این نوع از طراحی، هدف از چیدمان نقش‌مایه‌ها در قالب طرح کلی، استغنائی شکلی و ارتقای اسلوب‌های بصری طرح است؛ دوم آن که خط‌نگاره‌ها و نقش‌مایه‌های متنوع در کنار هم، یک موضوع واحد را طراحی کرده و به آن جان می‌بخشند. موضوع مورد مطالعه پژوهش حاضر، دسته‌ای از آثار است که واجد مضمون هستند. مفاهیم و مضامین استنباط‌شده از طرح کلی آثار قلمزنی نیز به دو بخش تقسیم می‌شود: (۱) مفاهیم و مضامین استنباط‌شده از کتیبه‌ها و خط‌نگاره‌ها، (۲) مفاهیم و مضامین استنباط‌شده از نقش‌مایه‌های گیاهی، هندسی، جانوری، انسانی و اشیاء.

۷-۱. مفاهیم و مضامین استنباط‌شده از کتیبه‌ها و خط‌نگاره‌ها در نمونه‌های قلمزنی دوره صفوی

خط، شاخص‌ترین نقش در فلزکاری عصر صفوی است. در دوره صفویه طرح‌های کنگره‌دار و متداخل به همراه خط به کاررفته است. در بیش‌تر کتیبه‌های عصر صفوی، خط‌نگاره‌ها و نقش مایه‌های اسلیمی با هم ترکیب شده‌اند (علی‌پور، ۱۳۹۲: ۳۷). کتیبه‌ها علاوه بر شاخصه‌های زیبایی‌شناسانه، واجد معنا و پیام هستند. به بیان دیگر کتیبه، نقش مایه‌ای تزئینی محسوب می‌شود که با هدف انتقال مفهومی معین، طراحی و اجرا شده است. ساریخانی کتیبه را از تزئینات رایج روی اشیاء فلزی می‌داند (ساریخانی، ۱۳۹۲: ۱۵۹). به لحاظ مضمون و محتوا، اغلب کتیبه‌ها در دوران صفوی اطلاعات ارزشمندی متناسب با کاربری اثر ارائه می‌دهند (بلر و بلوم، ۱۳۸۱: ۵۱). فلزکاری دوره صفویه آمیزه‌ای از هنر قلمزنی و خطاطی است که آثاری تزئینی و کاربردی آفریده است (ویلسون، ۱۳۶۶: ۷۸).

۷-۱-۱. مضامین دینی - مذهبی (آیات قرآن، ادعیه، اسامی امامان شیعه و صلوات کبیره)

در دوره اسلامی بسیاری از آثار هنری در بردارنده آیات قرآنی، احادیث و ادعیه است. این کتیبه‌ها معمولاً با نقش مایه‌های گیاهی و هندسی تزئین شده‌اند. کتابت آیات قرآنی و ادعیه در دوره صفویه بسیار رایج بوده، به نحوی که در هیچ دوره دیگری به این گستردگی دیده نشده است (شریعت، ۱۳۸۷: ۵۳). با حاکمیت حکومت شیعی مذهب صفویه، آثار هنری بسیاری با کتیبه‌نگاری صلوات کبیره خلق شدند. کتیبه‌هایی که آثار فلزی دوره صفوی را با مضمون تشیع مزین کرده‌اند، در سه گروه مورد مطالعه قرار می‌گیرند: ۱) دعا‌های استعانت از پروردگار به حق نام‌های دوازده امام

یا غالباً چهارده معصوم؛ ۲) ذکر نام حضرت علی (ع)؛ ۳) اشعاری در ستایش حضرت علی (ع) (ملکیان شیروانی، ۱۳۸۵: ۲۸). جوانیان، رشد فزاینده کتیبه‌نگاری را حاصل منع صورت‌نگاری در عصر صفوی می‌داند (۱۳۹۰: ۳۶۶).



تصویر ۱: دیگ مسی، ایران، سده ۱۰ ه.ق / اوایل قرن شانزدهم م.، محفوظ در موزه هرمیتاژ (URL2).



تصویر ۲: مرکبدان برنجی، میرک حسین، ایران، تبریز، ۹۱۵-۹۲۵ ه.ق / ۱۵۱۰-۱۵۲۰ م.، محفوظ در موزه ویکتوریا و آلبرت (URL1).

تصویر (۱) متعلق به دیگ مسی قلع‌اندود به ابعاد ۳۳ سانتی‌متر مربوط به دوره صفویه است. در کتیبه نواری نزدیک به لبه خارجی ظرف، صلوات کبیره با خط ثلث خطاطی و قلمزنی شده است. لبه تحتانی کتیبه نواری مذکور با نقوش گیاهی تزئین شده و مضمون اصلی این اثر، شیعی است.

تصویر (۲) متعلق به مرکبدان برنجی دوره صفویه، اثر «میرک حسین» متعلق به قرن ۱۰ ه.ق است که در تبریز کشف شده و امروزه در موزه ویکتوریا و آلبرت نگهداری می‌شود. این مرکبدان مزین به دعای نادعلی (شامل عبارات: نَدِ عَلِيًّا مَطْهَرًا الْعَجَائِبُ، تَجَدُّهُ عَوْنًا لَكَ فِي التَّوَابِ، كُلُّ هِمٍّ وَغَمٍّ سَيَبْجَلِي) با خط نستعلیق است (جوانیان، ۱۳۹۰: ۲۴۱). در عصر صفوی دوات‌هایی با سبکی تازه از جنس مفرغ و برنج با درپوش گنبدی شکل ساخته شدند. دوات‌هایی که منقوش به کتیبه‌های نقره و یا طلاکوبی شده به خط نسخ و نستعلیق بودند. این محصول هنری، طرفداران بسیاری در داخل و خارج از کشور (و نیز تا هندوستان) پیدا کرد (احسانی، ۱۳۹۰: ۱۷۹). برخلاف دوره معاصر که اشیای قلمزنی، تزئینی بوده و هنرمندان با چالش‌های فراوانی جهت فروش روبه‌رو هستند؛ آثار قلمزنی دوره صفوی کاملاً کاربردی محسوب می‌شده‌اند و این نوع مرکبدان‌های برنجی فروش بسیار موفقی در بازار عرضه داشته‌اند.

۷-۱-۲. مضامین ادبی (اشعار فارسی)

آنچه قلمزنی عصر صفوی را از قلمزنی سده‌های پیش از آن در دوره اسلامی متمایز می‌کند، بازگشت به مضامین بومی و هم‌چنین ورود خط نستعلیق در فرم، و شعر پارسی در مضمون آثار این دوره است. قلمزنی عصر صفوی ضمن توجه به مبانی و اصول مذهبی در طراحی‌ها، روحی ایرانی به تمام آثار می‌بخشد و با به‌کارگیری گسترده خط نستعلیق و اشعار کلاسیک ادبیات

فارسی، از آثار قلمزنی دوره سلجوقی که بر مبنای قرآن و سنت، از خط و زبان عربی بهره می‌برد، به تدریج فاصله می‌گیرد. به بیان دیگر، فراوانی استفاده از خط و زبان عربی در دوره صفوی در مقایسه با دوره سلجوقی کمتر است (نوروزی‌طلب و افروغ، ۱۳۸۹: ۱۱۴، ب). تصویر (۳) مربوط به دخلی مسی از دوره صفوی است که اشعاری از حافظ به خط نستعلیق روی آن نقر شده است: آن کس که به دست جام دارد / سلطانی جم مدام دارد / آبی که خضر حیات از او یافت / در می‌کده جو که جام دارد.

۳-۱-۷. مدح و ستایش شاهان و بزرگان

در نظام‌های سلطنتی، مدح و ستایش حاکمان امری رایج بوده است. آثار قلمزنی صفویه نیز از این امر مستثنا نیستند. سفارشی‌سازی این آثار برای درباریان باعث شده تا شاهد کتیبه‌هایی در مدح شاهان و مقام‌های سیاسی وقت باشیم. تصویر (۴) مربوط به قندیلی مسی با سه دسته نگهدارنده است. قسمت زیرین لبه و سطح بدنه این قندیل با شمشه‌ها و کتیبه‌هایی مزین شده است. این کتیبه‌ها به خط ثلث هستند و سه شمسۀ دایره‌ای شکل با نقوش گیاهی کتیبه پایینی را به سه بخش تقسیم کرده‌اند. متن کتیبه‌ها به عربی و سراسر مدح و ستایش شیخ صفی‌الحق است (افروغ، ۱۳۹۲: ۹۲). این اثر متعلق به شهر اردبیل است (فراست، ۱۳۸۴: ۶۸). مضمون متن در بسیاری از کتیبه‌های آثار عصر صفوی، صاحب آن را مخاطب قرار می‌دهد و به مدح و ستایش او می‌پردازد. این امر بیان‌گر تأثیر و نفوذ مستقیم دربار در طراحی و ساخت این آثار است، چراکه اغلب سفارش دهندگان از دولتمردان بوده‌اند.



تصویر ۴: قندیل مسی، اردبیل، اواخر قرن ۱۰ و اوایل قرن ۱۱ ه.ق. محفوظ در بخش دوران اسلامی موزه ملی ایران.



تصویر ۳: دخل مسی، ایران، اواخر سده ۱۱، اوایل سده ۱۲ ه.ق / اواخر قرن ۱۷ و اوایل قرن ۱۸ م. محفوظ در موزه هرمیتاژ (URL2)

۲-۷. مفاهیم و مضامین استنباط‌شده از نقش‌مایه‌های گیاهی، هندسی، جانوری، انسانی و اشیاء در آثار صفوی

۱-۲-۷. طبیعت‌نگاری

اگرچه طبیعت‌نگاری از موضوعات پرتکرار فلزکاری دوره صفوی است، اما با نگارگری همان دوره تفاوت‌هایی اساسی دارد. در این دست آثار که معمولاً روی شمعدان‌های برنجی اجرا شده‌اند، نقوش جانوری غیرواقع‌گرایانه با نقوش گیاهی انتزاعی احاطه شده‌اند. تصویر (۵) مربوط به پایه شمعدانی برنجی و متعلق به دوره صفوی است که بر آن، نقوش جانوری بدون خلق و ارائه تصویری واقع‌گرایانه از طبیعت، به صورت تک‌نگاره در میان نقوش گیاهی تکرارشونده کار شده‌اند.

۲-۲-۷. صحنه‌های شکار

موضوع شکار و شکارگاه از قدیمی‌ترین مضامین مورد استفاده بشر بوده، به طوری که عمده آثار به دست آمده از انسان ماقبل تاریخ، ابزار مربوط به شکار بوده و تصاویر برجایمانده از آن دوران هم بدون شک در ارتباط با صحنه‌های شکار بوده است (سعیدی، اکبری، چرخ‌ی، و پورنامی، ۱۳۹۶: ۵۱-۷۲). شکار از موضوعات اصلی نگارگری عصر صفوی محسوب می‌شده و فلزکاران آن دوره نیز گاه‌ها به این موضوع پرداخته‌اند.



تصویر ۵: پایه شمعدان برنجی، ایران، اواخر قرن ۱۱ و اوایل قرن ۱۲ هجری قمری، محفوظ در موزه هرمیتاژ (URL2)

تصویر (۶) متعلق به یک کاسه مسی پایه‌دار با موضوع شکارگاه است. بالای ظرف، کتیبه‌ای نواری با محتوای صلوات امامان شیعه (ع) کار شده است. بر بدنه جام دو سوار شکارچی در حال شکار و دو خرگوش در حال گریزند. یک قلاده سگ شکاری نیز در صحنه شکار حاضر است.



تصویر ۶: کاسه پایه‌دار (جام)، ایران، تبریز، ۱۶۳۰-۱۶۵۰ میلادی برابر با ۱۰۳۹-۱۰۵۹ هجری قمری، محفوظ در موزه ویکتوریا و آلبرت (URL1)

۲-۳. صور فلکی روی جام چهل کلید و کاسه دعایی

عموئیان، بلخاری و آژند، درباره کاسه‌های دعایی صفویه می‌نویسند: «نقوش درون و بیرون کاسه‌ها و جام‌ها، همگی نمادین بوده و به اشعار شاعران فارسی‌زبان، اسامی خدا و امامان معصوم (ع) مزین شده است» (۱۳۹۹، ۱۶۰). نمایش بروج دوازده‌گانه معمولاً با آیات قرآنی و ادعیه همراه می‌شود. قلمزنی صور فلکی یا همان بروج دوازده‌گانه در دوره صفوی روی جام چهل کلید (نام دیگر آن جام تقال است) مرسوم بوده است و غیب‌گویان و فالگیران این دوره، از این جام برای پیشگویی، استخراج طالع و گشودن بخت استفاده می‌کردند (جواییان، ۱۳۹۰: ۱۹۴).



تصویر ۷: جام چهل کلید برنجی، ۱۰۳۶-۱۰۳۷ ق.ه / ۱۶۲۷-۱۶۲۸ م.ه، محفوظ در موزه هرمتناژ (URL2)

تصویر (۷) متعلق به جام چهل کلید برنجی محفوظ در موزه هرمتناژ است. نوار بالایی ظرف منقوش به ادعیه است و در ردیف دوم پس از آن، نزدیک به لبه ظرف، کتیبه‌هایی در قاب‌های مجزا به صورت نواری آمده‌اند که محتوای آن‌ها صلوات کبیره است. زیر کتیبه‌ها، ۱۲ ترنج، صور فلکی را دربرگرفته‌اند.

۳-۷. مفاهیم و مضامین استنباط‌شده از کتیبه‌ها و خطنگارها در نمونه‌های قلمزنی دوره معاصر

۳-۷-۱. مضامین دینی - مذهبی (آیات قرآن، ادعیه، اسامی امامان شیعه و صلوات کبیره)

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، پژوهشگران رشد فزاینده استفاده از خط در هنر فلزکاری را به دلیل منع صورت‌نگاری در دوره اسلامی می‌دانند اما با وجود این که این منع امروزه به‌جز در مواردی خاص وجود ندارد، هم‌چنان شاهد استقبال گسترده هنرمندان قلمزن از کتیبه‌سازی هستیم. در این میان، مضامین مذهبی هم در آثار هنری و هم در آثار بازاری به کرات قابل مشاهده‌اند.



تصویر ۹: گوی طلاکوب فولادی، زیرساخت سعید کیانی، طراحی و قلم منصور حافظ‌پرست، آرشیو نگارخانه مس‌نگار (URL3)



تصویر ۸: کاسه درب‌دار مسی، ساخت پیکره توسط نیکوبخت، خوشنویسی اثر رحیمی، طرح و قلم از منصور حافظ‌پرست، آرشیو نگارخانه مس‌نگار (URL3)

تصویر (۸) متعلق به یک کاسهٔ درب‌دار مسی است که پیکرهٔ آن توسط نیکوبخت ساخته شده و خوشنویسی آن، اثر رحیمی و طراحی و قلم کاسه، اثر منصور حافظ‌پرست است. بر کتیبهٔ نواری نزدیک به لبهٔ خارجی ظرف، آیهٔ ۲۵۵ سورهٔ بقره (آیه‌الکرسی) با خط ثلث قلمزنی شده است. مضمون اصلی این اثر، قرآنی است.

۷-۳-۲. مضامین ادبی (اشعار فارسی)

عسگرنژاد و گذشتی، تمام نوشته‌ها را نگارواره‌ای می‌بینند که تابلویی زیبا و کامل را برای بیان مقصود نهایی شاعر رقم می‌زند. ایشان با اشاره به کتاب المناظر و تنقیح المناظر ابن هیشم که تجسم را یکی از اصول بیست‌ودوگانهٔ زیبایی و زیبایی‌آفرینی می‌داند، خیال و تجسم را وجه مشترک ادیب و هنرمند دانسته، و برای هنر و ادبیات مشرق‌زمین پیوند عمیقی قائلند. هنر کتابت و نگارگری ایران شاهد این مدعاست (۱۳۹۳: ۱۶۶). استفاده از اشعار فارسی و خط نستعلیق که از دورهٔ صفوی در هنر فلزکاری آغاز شد، تاکنون ادامه داشته است.

تصویر (۹) متعلق به گوی طلاکوب فولادی با پیکره‌سازی کیانی و طراحی و قلم منصور حافظ‌پرست است. اشعاری از فخرالدین عراقی بر کتیبهٔ نواری اثر نقش بسته است. هر مصرع، داخل یک قاب قلمزنی شده است. سطح تمام ظرف با نقوش گیاهی و اسلیمی پوشیده شده و بر محور گوی نیز یک پرندۀ فولادی طلاکوب نصب شده است.

ابیات اثر به این شرح است:

ما رخت ز مسجد به خرابات کشیدیم	خط بر ورق زهد و کرامات کشیدیم
در کوی مغان در صف عشاق نشستیم	جام از کف رندان خرابات کشیدیم
گر دل بزند کوس شرف شاید ازین پس	چون رایب دولت به سماوات کشیدیم

۷-۳-۳. مدح مفاخر

در دورهٔ معاصر تندیس‌سازی جهت تقدیر و بزرگداشت مشاهیر علم، فرهنگ، ادب و هنر جای مجیزگویی را گرفته است. هرچند هنرمندان و صورتگران دورهٔ صفوی آزادی بیش‌تری در نگارگری تصاویر انسان نسبت به دوره‌های پیشین داشتند (احسانی، ۱۳۹۰: ۱۹۴)، لکن به‌ندرت نگاره‌های زنان و مردان بر روی آثار فلزی دیده می‌شوند. در قلمزنی عصر صفوی به‌دلیل آشنایی تازه با فقه شیعه و منع صورت‌نگاری، بیش‌تر از خطنگاره‌ها و نقش مایه‌های گیاهی و هندسی استفاده می‌شد. اما امروزه با اجتهادهای جدید، منع صورت‌نگاری و تندیس‌سازی به‌جز در مواردی خاص برداشته شده است. در نتیجه در قلمزنی معاصر، نقش مایه‌های گیاهی و هندسی اصل نیستند و برای تزئین و فضا‌سازی مضمون اصلی که شامل نقوش جانوری و انسانی است به کار می‌روند. شبیه‌زنی، تک‌نگاره‌های برجسته‌کاری‌شده و تندیس‌های یکپارچه، از قالب‌های مرسوم و موردعلاقهٔ هنرمندان فلزکار معاصر است.

تصویر (۱۰) متعلق به تندیس حکیم ابوالقاسم فردوسی است که توسط مهدی جزی روی ورق مس، سه‌بعدی‌سازی شده است. اشعار قلمزنی‌شده در کتاب پیش روی فردوسی نیز ابیاتی از این شاعر بزرگ ایرانی است: چو ایران نباشد تن من مباد / در این بوم و بر زنده یک تن مباد // همه سربسز تن به کشتن دهیم / به از آنکه کشور به دشمن دهیم.

۷-۴-۴. مفاهیم و مضامین استنباط‌شده از نقش مایه‌های گیاهی، هندسی، جانوری، انسانی و اشیاء در نمونه‌های دورهٔ معاصر

۷-۴-۱. تجسم بهشت

موضوع بهشت معمولاً با تصاویری خیالی انگیز از مرغان بهشتی در میان شاخ و برگ گیاهان با مقیاس‌ها و فرم‌های فراواقعی نمایش داده می‌شود. اگرچه نقش مایه‌های گیاهی و جانوری از دیرباز در هنر ایران وجود داشته‌اند، اما ترسیم گل و مرغ به شیوهٔ کنونی در اواخر



تصویر ۱۰: تندیس ابوالقاسم فردوسی، اثر مهدی جزی، آرشیو نگارخانه مس‌نگار (URL3)

دوره صفویه پدید آمد و در نقاشی ایران عصر قاجار به اوج رسید. نقش مایه مرغ تسبیح‌گوی حق در فضایی خیال‌انگیز با گل‌هایی پریچ‌وخم، بهشت برین را تجسم می‌کند. هنرمندان معاصر به کرات طرح‌هایی با این مضامین را قلم زده‌اند. تصویر (۱۱) متعلق به یک تنگ نقره اثر دامادی است. نمایش خیال‌انگیز گل و مرغان بهشتی در کنار هم اشاره به بهشت و زیبایی‌های آن دارد. اگرچه نقش مایه غالب در دوره صفویه، نقوش گیاهی است اما این نقوش در پی تبیین موضوع بهشت نبوده‌اند.



تصویر ۱۱: تنگ دربدار نقره به همراه تصویر بزرگنمایی نقوش آن، اثر محراب دامادی، آرشیو نگارخانه مس‌نگار (URL3)

۲-۴-۷. مجلس بزم (مجلس‌سازی و طبیعت‌نگاری)

در مجالس بزم معمولاً عده‌ای از نوازندگان در حال نواختن آلات مختلف موسیقی هستند (حیدرآبادیان، ۱۳۹۲: ۱۳۹). در مجلس‌سازی شاهد نگاره‌هایی از مردان و زنان هستیم که صراحی و پیمانه به دست در حال نوشیدن شراب هستند. این آثار با نقش مایه‌های گیاهی، هندسی، جانوری، اندام انسانی، آلات موسیقی، جام و صراحی، ترسیم‌گر مجالس بزم هستند. این نقش مایه‌های موضوعی، در طبیعت اجرا می‌شوند و معمولاً با ترنج قاب گرفته می‌شوند. تصویر (۱۲) متعلق به کاسه یکپارچه نقره است. این اثر بدیع طرح و قلم محمد حیدری است. آثار حیدری به لحاظ فرم و مضمون، منحصر به فرد است. اثر حاضر با کنار هم قرار دادن نقش مایه‌هایی هندسی، گیاهی، جانوری و انسانی ترسیم‌گر مجلس بزمی در طبیعت است. در دوره معاصر آثار بسیاری با موضوع مجلس‌سازی در طبیعت خلق می‌شوند.

صناعت
پهنه‌های ایرا

دوفصلنامه علمی هنرهای صنعتی ایران

سال ششم، شماره ۲، پیاپی ۱۱

پاییز و زمستان ۱۴۰۲

۱۵۵



تصویر ۱۲: کاسه یکپارچه چکشی، برجسته‌کاری و ریزقلم، نقره، اثر محمد حیدری، آرشیو نگارخانه مس‌نگار (URL3)

۳-۴-۷. نمایش زندگی روزمره مردم عادی

این صحنه‌ها شامل نگاره‌های زنان، مردان و گاهی چهارپایان اهلی در حال انجام امور روزمره زندگی است: اموری مانند دادوستد و معامله در بازار، کشاورزی و نمایش پیشه‌های مختلف. مبنای هر اثر هنری، طرح اولیه آن است. در مطالعه تاریخ هنر قلمزنی شاهد آن هستیم که نگارگری، همیشه یک مرحله پیش‌تر از قلمزنی است. اگرچه واقع‌گرایی و نمایش زندگی روزمره مردم عادی با آثار نقاشانی چون کمال‌الدین

بهزاد آغاز شد، اما تحت تأثیر هنر نقاشی غرب و با آثار شاخص هنرمند مردم‌نگار، رضا عباسی به اوج رسید (حسینی‌بای، ۱۳۹۰: ۶). در نتیجه، موضوع مردم‌نگاری و نمایش زندگی مردم عادی پس از دوره صفویه بر روی آثار فلزی باب شد. تصویر (۱۳) با عنوان «عروسی سنتی» متعلق به یک شکلات‌خوری سه‌بُعدی‌سازی چکشی قلمزده نقره است که در دوره معاصر و توسط محسن براتی اجرا شده است. در این شکلات‌خوری، تندیس از عروس و بدنه آن شامل نگاره‌های انسانی است که در تدارک مجلس عروسی و مشغول انجام پیشه‌های متنوع هستند. تصویر (۱۴) متعلق به یک گلدان پایه‌دار نقره یکپارچه است که راوی حکایت کاشت، داشت و برداشت است. این گلدان با کتیبه نواری به خط میخی به دو بخش تقسیم می‌شود. روی قسمت زیرین، گل و بوته برجسته‌کاری شده و قسمت فوقانی، نمایی از زندگی کشاورزان است. این اثر قلم حبیب آروان است که با نقوش انسانی، گیاهی، جانوری و ابزارآلات کشاورزی، روایت‌گر زندگی مردم عادی در طبیعتی روستایی است.



تصویر ۱۴: گلدان یکپارچه نقره، راوی حکایت کاشت، داشت و برداشت، اثر حبیب آروان، آرشیو نگارخانه مس نگار (URL3)



تصویر ۱۳: شکلات‌خوری چکشی قلمزده نقره، اثر محسن براتی، آرشیو نگارخانه مس نگار (URL3)

۴-۴-۷. صحنه‌های شکار

صحنه‌های مربوط به شکار که همواره از موضوعات مورد علاقه بشر بوده، امروزه نیز موضوع متداول هنرهای سنتی و صنایع دستی است. نقش شکارگاه در نگارگری ایرانی، پارچه‌های سنتی و قلمکار، سفالگری و فلزکاری هنوز از طرح‌های پرطرفدار و پرتکرار محسوب می‌شود. تصویر (۱۵) متعلق به بشقاب نقره مطالا با موضوع شکارگاه و به سبک ساسانی است. حبیب آروان از جمله هنرمندانی است که بازآفرینی‌هایی بسیار قوی، بی‌نقص از آثار شناسنامه‌دار ساسانی ارائه می‌دهد. در صحنه شکار، معمولاً شخص سوار بر اسب با تیر و کمان یا شمشیر در دست مشغول شکار حیوانات پیرامون است (حیدرآبادیان، ۱۳۹۲: ۱۳۹). موضوع شکارگاه در دوره معاصر از موضوعات مورد علاقه و پرتکرار است.



تصویر ۱۵: بشقاب قلمزده نقره مطالا به همراه تصویر بزرگنمایی نقوش آن، طرح ساسانی، اثر حبیب آروان، آرشیو نگارخانه مس نگار (URL3)

۷-۴-۵. صحنه‌های نبرد

در صحنه‌های جنگ، جنگجویان سوار و یا پیاده، تن به تن یا گروهی، سلاح به دست در حال جنگیدن هستند (حیدرآبادیان، ۱۳۹۲: ۱۳۹). این رویارویی بین انسان با انسان و یا انسان با موجودات افسانه‌ای صورت می‌گیرد. شرح صحنه‌های مربوط به رویارویی و جنگ با اژدها یکی از موضوعاتی است که در متون کهن فارسی و ادبیات حماسی و اسطوره‌ای ایران، به آن پرداخته شده‌است. تصویر (۱۶) گلدان درب‌دار پایه‌داری اثر مجید بهرامی پور است که با بهره‌گیری از نقوش انسانی، جانوری و ابزارآلات جنگی، صحنه نبرد با اژدها را تصویر می‌کند. بدنه ظرف را اجزای بدن جانوران به چهار بخش تقسیم می‌کنند و به این صورت چهار قاب ساخته می‌شود که داخل آن‌ها، صحنه جنگ است.



تصویر ۱۶: گلدان چکشی برجسته نقره به همراه تصویر بزرگنمایی نقوش آن، اثر مجید بهرامی پور، آرشیو نگارخانه مس‌نگار (URL3)

نقش اژدها در هنر و ادبیات ایران، نمادی از نیروی شر است. این اژدها به دور بدن اسب و مرد پیچیده‌است. در نگاه اول، این جدال مفهومی اساطیری - حماسی دارد، بدین معنی که احتمالاً بر سر راه پهلوانی، اژدهایی مخوف خفته است و این پهلوان برای ادامه مسیر راهی جز مقابله و نبرد با اژدها ندارد. اما شاید در نگاهی عمیق‌تر، این مبارزه درونی انسان با نفس اماره‌اش است و اژدها همان نماد نفس اماره‌ای است که باید نابود شود چراکه مولانا نیز می‌گوید: مادر بتها بت نفس شماست / زان که آن بت، مار و این بت اژدهاست (نایب‌زاده، ۱۳۹۵: ۷۴).

صناعت
بهره‌های ایرا

جدول ۲: جدول تطبیقی آثار و تحلیل یافته‌ها

دوفصلنامه علمی هنرهای صنعتی ایران

سال ششم، شماره ۲، پیاپی ۱۱

پاییز و زمستان ۱۴۰۲

۱۵۷

موضوع و مضمون	دوره تاریخی	نقش‌مایه‌های اصلی	نمونه‌های تطبیقی	توضیحات تطبیقی - تحلیلی
مضامین دینی (آیات قرآن، ادعیه، اسامی امامان شیعه و صلوات کبیره)	صفوی			آثار قلمزنی دوره صفویه کاربردی است مانند کاسه، دخل، کشکول، مرکبدان، شمعدان، اسطرلاب و ... به‌دلیل فراگیر شدن آموزه‌های مذهب شیعه در عصر صفوی، هنرمندان به‌منظور تبرک‌جستن، از خط‌نگاره‌های قرآنی، ادعیه، صلوات کبیره، اسامی امامان شیعه بر روی ظروف و ملزومات کاربردی بهره می‌بردند.
	صفوی			پرتکرارترین موضوع بر روی دخل‌ها و کاسه‌های فلزی عصر صفوی، مضامین شیعی (ادعیه، صلوات کبیره، و اسامی امامان شیعه) است.
	معاصر			ولی در قلمزنی دوره معاصر بیش‌تر شاهد کتیبه‌های قرآنی هستیم. اگر آثار هنری هر دوره را رسانه آن عصر در نظر بگیریم، می‌توان نتیجه گرفت که به‌دلیل تأکید و توجه نظام معاصر بر وحدت مذاهب، به‌صورت خودآگاه یا ناخودآگاه، هنرمندان معاصر نیز برای حفظ وحدت جامعه مسلمان، بر اشتراکات دینی (قرآن) تأکید دارند.

<p>مضامین ادبی و عرفانی اوج اشتراک معنایی قلمزنی دوره صفوی و معاصر است. در هر دوره با فراوانی قابل توجهی از آثاری با کتیبه‌های فارسی روبه‌رو هستیم که اشعار کلاسیک ادب فارسی و خط نستعلیق را برگزیده‌اند.</p>			صفوی	مضامین ادبی و عرفانی
			معاصر	
<p>هنرمندان عصر صفوی تحت حمایت دربار بودند. برخی از آثار هنری این دوره به سفارش شخص شاه بوده‌اند، در نتیجه کتیبه‌نگاری در مدح و ستایش شاه و درباریان مرسوم بوده‌است. هم‌چنین در ابتدای ظهور اسلام به دلیل منع و تقبیح صورت‌نگاری و تندیس‌سازی، هنرمندان به آفرینش انتزاعی انسان از طریق نقوش هندسی روی آوردند (Melikian Chirvani, 1982: 234).</p> <p>اما در دوره معاصر و با معرفی استفتانات نوین در باب مجسمه‌سازی، هنرمندان مستقل از نظام حاکم، با تکنیک برجسته‌کاری سطوح و یا تندیس‌سازی به بازنمایی چهره‌ها و مفاخر علمی، ادبی، فرهنگی و هنری پرداخته‌اند.</p>			صفوی	مدح شاهان و مفاخر
			معاصر	
<p>موضوع‌سازی با گل‌ومرغ و تجسم بهشت و باغ‌های بهشتی، در نقاشی دوره قاجار به اوج رسید. در نتیجه ما شاهد این سبک از قلمزنی در دوره صفویه نیستیم. تجسم بهشت، مضمون موردعلاقه هنرمندان قلمزنان دوره معاصر است.</p>			معاصر	تجسم بهشت
<p>در فلزکاری عصر صفوی، نقوش جانوری بدون خلق و ارائه تصویری واقع‌گرایانه از طبیعت، به صورت تگ‌نگاره در میان نقوش گیاهی تکرار شونده، بدون موضوع و بسیار محدود کار می‌شده‌اند. اما در آثار قلمزنی دوره معاصر شاهد مجلس‌سازی در طبیعت و باغ هستیم. این صحنه‌ها گاهی توسط ترنج قاب گرفته می‌شوند. البته گاهی نیز مجالس بزم درون عمارت و بنا تصویر می‌شود که نسبت به مورد قبل، فراونی کم‌تری دارد.</p> <p>نقش‌مایه‌های این‌به‌در قلمزنی معاصر بیش‌تر جهت نمایش زندگی روزمره مردم عادی در بازار و در حال دادوستد، به چشم می‌خورد.</p>			صفوی	مجلس بزم (مجلس‌سازی و طبیعت‌نگاری)
	 	 	معاصر	

<p>پرداختن به وجوه مختلف زندگی عادی و روزمره مردم، از موضوعات جدید در آثار قلمزنی است که در هنر فلزکاری عصر صفوی اصلاً مرسوم نبوده است.</p> <p>درواقع موضوع مردم‌نگاری و توجه به زندگی روزمره بدنه جامعه، محصول نگرش‌های متأخر نسبت به عصر صفوی است. هنرمندان قلمزن معاصر، آثار فراوانی از روزمرگی مردم در بازار، در حال پیشه‌وری، رفت‌وآمد، مطالعه و... را با تکنیک‌های ریزقلم، نیم‌پرچسته و سه‌بُعدی آفریده‌اند.</p>			معاصر	<p>فعالیت‌های مردم‌عادی، دادوستد در بازار، کشاورزی (... و زندگی روزمره)</p>
			معاصر	
<p>در فلزکاری عصر صفوی، جانورسازی هم به‌لحاظ گونه، هم به‌لحاظ کمی و هم به‌لحاظ مهارت در اجرای آناتومی، بسیار محدود بوده است؛ اما گاه‌آ‌ شاهد آفرینش آثاری فلزی با موضع شکارگاه هستیم.</p> <p>در دوره معاصر نیز، صحنه‌های مربوط به شکار معمولاً با سبک قلمزنی دوره ساسانی و یا ملهم از نگارگری ایرانی اجرا می‌شوند.</p>			صفوی	صحنه شکار
			معاصر	
<p>صحنه جنگ و درگیری یکی از موضوعات مورد علاقه قلمزنان معاصر است. موضوعی که در آثار فلزی دوره صفوی به آن پرداخته نشده است.</p>			معاصر	<p>صحنه نبرد (انسان با انسان، انسان با جانوران یا موجودات افسانه‌ای)</p>
<p>در دوره صفویه استفاده از علوم غریبه حتی در حکومت‌داری امری مرسوم بود (Melvin Koushki, 2020: 311). بنابراین شاهد رشد ساخت و استفاده از فال‌نامه‌ها، اسطرلاب، جام چهل‌کلید، طلسم و... هستیم.</p> <p>اگرچه در دوره معاصر نیز گروهی از افراد جامعه به مسائلی از این دست گرایش دارند، اما نزد قانون رسمی کشور، علمای دین و عموم مردم امری مذموم است. در نتیجه معمولاً شاهد عرضه رسمی و نمایشگاهی این آثار نیستیم.</p> <p>فقه شیعه در دوره معاصر، ضمن تأیید وجود عالم غیب، بر توسل به قرآن، عترت و ادعیه مستند تأکید دارد.</p>			صفوی	<p>صور فلکی، جام چهل‌کلید و کاسه دعایی</p>

۸. ارتباط معنایی میان موضوع‌سازی و کاربرد ظروف

همان‌طور که گذشت، آثار قلمزنی عصر صفوی کاملاً کاربردی بوده‌اند. هنرمندان فلزکار عصر صفوی مایحتاج زندگی روزمره را در فرم‌های متنوع از فلز ساخته و سپس با قلم تزئین می‌کردند. تنگ، دخل، تشت، درپوش غذا، کاسه، بشقاب، مشربه، سطل حمام، طبل، ابریق، کاسه دعایی، کشکول، مرکبدان، پایه شمعدان و... همه و همه اشیائی کاملاً کاربردی بوده‌اند. اومبر^۷ و دینزو^۸ نیز معتقدند که طرح‌های تزئینی

اسلامی اغلب نوعی هنر کاربردی محسوب می‌شوند. به بیان دیگر، نقش مایه‌های تزئینات اسلامی با وجود پرکار و پرجزئیات بودن، اغلب بر روی اشیاء کاربردی اجرا می‌شدند (۱۳۹۳: ۶). این در حالی است که آثار قلمزنی دوره معاصر جنبه تزئینی دارند. حتی زمانی که در میان نمونه‌های آماري دوره معاصر با اشیائی چون شکلات‌خوری، گزخوری، پارچ و... مواجه می‌شویم، با توجه به جنس کار و حرمت استفاده از ظروف نقره و طلا در احکام اسلامی و همچنین ارزش ریالی بالای آن، به روشنی درمی‌یابیم که این آثار صرفاً جنبه هنری و تزئینی داشته و استفاده از آن‌ها هرچند بعید نیست اما معمول هم نمی‌باشد.

درحقیقت در دوره صفویه «نقرکردن» اصل نیست، بلکه نوعی تکنیک تزئین است که در خدمت خالق اثر قرار می‌گیرد که البته به لحاظ ویژگی‌های شکلی و محتوایی ای که داراست، مبین هنر بی‌بدیل و دانش ادبی آفرینندگان آن نیز هست. اما اصل در دوره معاصر، بازآفرینی هنر فاخر و ارزشمند «قلمزنی» فارغ از کاربرد آن است. هنرمند معاصر تنها به منظور باززنده‌سازی این هنر، با نهایت ظرافت و دقت، قلم خود را روی قالب‌های سنتی اجرا می‌کند. نمونه‌های معاصر شامل پلاک‌ها و بشقاب‌های تزئینی، مشربه، ابریق، دخل، تنگ، صراحی، قندیل و... است که اگرچه در گذشته کاملاً کاربردی بوده‌اند، اما امروزه تنها جنبه تزئینی دارند. مطالعه اشیاء قلمزنی دوره معاصر این حقیقت را آشکار می‌سازد که هنرمندان معاصر کم‌تر به دنبال کاربردی کردن آثار و ورود این اشیاء به زندگی مردم بوده‌اند. بلکه تمرکز روی تکرارهای ماهرانه‌تر بوده‌است. به نظر نگارندگان، مبانی نظری طراحی قلمزنی معاصر نیاز مبرم به گذار از این مرحله دارد و این مهم جز با کار علمی محققان و ارائه نتایج آن به کنشگران حوزه قلمزنی ممکن نخواهد بود (جدول ۲).

۹. نتیجه‌گیری

از تحلیل یافته‌های پژوهش استنتاج می‌شود قلمزنی صفویه از منظر مضمون، واجد دو اصل تشیع و ملی‌گرایی است. آن‌جا که زیبایی خط نستعلیق در تعامل با اشعار فارسی، اشیائی فلزی در نهایت ظرافت را می‌آفریند، حاکی از وجود هنرمندانی متعهد به سرزمین ایران و سنت‌های تاریخی آن است؛ و آن‌جا که هنر قلمزنی با به‌کارگیری خطوط نسخ و ثلث، به تبیین اصول اعتقادی مذهب شیعه می‌پردازد، متعین وزن مذهبی این آثار است. وجود کتیبه‌های آیات قرآنی در دوره معاصر، متأثر از تأکید حاکمیت بر وحدت مذاهب، مبین مضامین دینی و اسلامی است. مضامین شیعی در آثار برجسته قلمزنی دوره معاصر کم‌تر به چشم می‌خورند. در مقابل، قلمزنی عصر صفوی با به‌کارگیری مکرر کتیبه صلوات کبیره و دعای نادعلی بر روی بسیاری از آثار، حاوی مضامین شیعی است. آن‌جا که هنرمند صنعتگر دوره صفویه به کرات به تکرار کتیبه‌های مذهبی بر روی دخل‌ها (به‌منظور تبرک‌جستن و کسب روزی حلال) می‌پردازد، شاهد ارتباط عمیق معنایی میان کاربرد و مضمون هستیم.

در دوره معاصر ارتباط معنایی چندانی بین موضوع‌سازی و کاربرد اشیاء هنری مشاهده نمی‌شود. تجسم بهشت، و پرداختن به مضامین انتزاعی، موضوع موردعلاقه هنرمندان قلمزن معاصر است. قلمزنی دوره معاصر با طبیعت‌نگاری، مجلس‌سازی، صحنه‌های مربوط به شکارگاه و نبرد، نمایش زندگی روزمره مردم عادی و طبقه کارگر، آثاری ملهم از هنر نگارگری ایران عصر صفوی و دوره‌های پس از آن خلق می‌کند که البته بی‌تأثیر از هنر نقاشی غرب هم نیست. به‌نظر می‌رسد هنر قلمزنی در امتداد شکوفایی و توسعه مضامین در هنر نقاشی ایرانی، علاوه بر رشد چشمگیر صورت، جامه‌های نوینی از معنا بر پیکره فلزکاری ایران پوشانده‌است. می‌توان ادعا کرد که مضامین ادبی، اوج اشتراک معنایی قلمزنی دوره‌های صفوی و معاصر است. در هردو دوره با فراوانی قابل توجهی از آثاری با کتیبه‌های فارسی روبه‌رو هستیم که اشعار کلاسیک ادب فارسی و خط نستعلیق را برگزیده‌اند.

هرچند اشیاء قلمزنی هردو دوره از منظر نوع، مشابهت‌های زیادی به هم دارند، اما نکته اساسی اینجاست که تکرار ساخت مشربه، تنگ، ابریق، دخل، قندیل و... که در عصر خود جزء ملزومات زندگی بوده‌اند، در عصر حاضر حائز چه دلایل، و موجد چه ارزش‌هایی است؟ با توجه به ظرفیت‌های تئوریک کشور، پیشنهاد می‌شود قالب‌های معمول گذشته به‌روز رسانی شوند. امروز که اسناد کتابخانه‌ای و موزه‌ای این امکان را برای ما فراهم می‌کنند تا تمام زوایای هنر و تمدن ایرانی - اسلامی خود را بازشناسیم، شایسته است با مطالعه نیاز و تقاضای روز جامعه، هنر قلمزنی را بر اشیاء روزآمد پیاده‌سازی و اجرا کنیم. به‌روز رسانی قالب‌های معمول و پیشین قلمزنی، و باززنده‌سازی نقوش و خط‌نگاره‌های عصر صفوی، می‌تواند به تعریف جایگاهی جدید برای عرضه این آثار در بازار، بیانجامد. پژوهش حاضر در پی دعوت از دست‌ان توانمند و پراعجاز هنرمندان این حوزه به باززنده‌سازی هنر قلمزنی سبک صفوی در مختصات امروز جامعه است. بدین معنا که از تکرار آثار پرتکلف و صرفاً تزئینی فاصله بگیرد. برای نزدیک‌شدن به موضوع می‌توان گفت به‌عنوان نمونه از تکرار ساخت مشربه، طاس، کاسه دعایی، قندیل، دخل، تنگ و... که

البته در عصر و زمان خود اشیائی کاربردی بوده‌اند، فاصله گرفته و با استفاده از قابلیت‌های شکلی و معنایی سبک صفوی، آثار کاربردی زمان خویش را بیافریند.

پی‌نوشت‌ها

۱. موزه ویکتوریا و آلبرت (Victoria and Albert Museum یا V & A) در شهر لندن انگلستان از برترین موزه‌های جهان است که بالغ بر ۴/۵ میلیون اثر در خود جای داده‌است. این موزه در سال ۱۸۵۲ م. به نام ملکه ویکتوریا و پرنس آلبرت که در جوانی درگذشت، تأسیس گردید.
۲. موزه هرمیتاژ (ارمیتاژ) (Hermitage Museum) واقع در شهر سن‌پترزبورگ روسیه، توسط کاترین کبیر در سال ۱۷۶۴ م. تأسیس شد و یکی از بزرگ‌ترین موزه‌های جهان است که سه شعبه نیز در شهرهای لندن، آمستردام و لاس وگاس دارد. بالغ بر ۳ میلیون اثر هنری در هرمیتاژ و شعبه‌هایش وجود دارند. کلیه نمونه‌های قلمزنی این پژوهش که محفوظ در موزه هرمیتاژ معرفی شده‌اند، در سن‌پترزبورگ نگهداری می‌شوند.
۳. یوداش تادئوش کرسیسنکی (Judasz Tadeusz Krusinski)، مترجم و سفرنامه‌نویس اهل لهستان که در سال ۱۷۰۷ م. به دربار صفوی آمد.
۴. ژان شاردن (Jean Chardin) جواهرفروش و جهانگرد فرانسوی بود که کتاب ۱۰ جلدی او سفرهای سِر ژان شاردن یکی از بهترین کارهای پژوهشگران غربی درباره ایران و منطقه است.
۵. آنتونی ولش (Anthony Welch) استاد تاریخ هنر و پژوهشگر هنر اسلامی که آثار فاخری در رابطه با اصفهان در عصر صفوی ارائه کرده‌است.

6. Claude Humbert

7. Hé lé ne Denizot

منابع

- احسانی، محمدتقی. (۱۳۹۰). هفت هزار سال هنر فلزکاری در ایران. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اسکندربیک منشی. (۱۳۵۰). تاریخ عالم‌آرای عباسی. چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
- اسماعیل نژاد، علی. (۱۳۹۱). بررسی فناوری و زیبایی‌شناسی فلزکاری دوره صفوی (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد منتشرنشده). دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.
- افروغ، محمد. (۱۳۹۲). فلزکاری عصر سلجوقی و صفوی. تهران: موسسه انتشاراتی جمال هنر.
- افروغ، محمد، و نوروزی‌طلب، علیرضا. (۱۳۸۹). هویت اسلامی - ایرانی در فلزکاری عصر صفوی: با تأکید بر کتیبه‌های موجود بر روی آثار فلزی. فصلنامه مطالعات ملی، ۱۱ (۴۴)، ۷۳-۱۰۰.
- انصاری، مهناز. (۱۳۹۳). تجلی مفاهیم قرآنی، ذکر و عرفان اسلامی در ساخت و تزئین کاسه‌های دعایی عصر صفوی. دوفصلنامه سفالینه، ش. ۱، ۳۹-۵۲.
- اومبر، کلود، و دنیزو، هلن. (۱۳۹۳). طرح‌های تزئینی اسلامی. ترجمه کرامت‌الله افسر. تهران: انتشارات یساولی (نشر اثر اصلی ۱۹۸۰).
- ایروین، روبرت. (۱۳۸۹). هنر اسلامی. ترجمه رویا آزادفر. تهران: انتشارات سوره مهر؛ پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی (نشر اثر اصلی ۱۹۹۷).
- بلوم، جانانان، و بلر، شیللا. (۱۳۸۱). هنر و معماری اسلامی (۲). ترجمه یعقوب آژند. تهران: انتشارات سمت (نشر اثر اصلی ۱۹۹۴).
- جوانیان، مریم. (۱۳۹۰). مطالعه تطبیقی آثار فلزکاری دوران سلجوقی و صفویه (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد منتشرنشده). دانشکده هنر، دانشگاه الزهرا، تهران، ایران.
- حسینی‌بای، سامیه. (۱۳۹۰). بررسی زندگی روزمره در نگارگری ایرانی از اواخر دوره تیموری تا اواخر دوره صفوی (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد منتشرنشده). دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
- حیدرآبادیان، شهرام. (۱۳۹۲). شکوه فلز، منتخب آثار هنر فلزکاری موزه رضا عباسی. عکسبرداری محسن محمدخانی. تهران: انتشارات سبحان نور.
- حیدرآبادیان، شهرام، و عباسی‌فرد، فرناز. (۱۳۸۸). هنر فلزکاری اسلامی. تهران: انتشارات سبحان نور.
- ساریخانی، مجید. (۱۳۹۲). پژوهشی تحلیلی بر جلوه‌های آیات قرآنی بر آثار فلزکاری ایران در دوران صفوی و قاجار با استناد به آثار فلزی موزه ملی ایران. دوفصلنامه پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ۳ (۵)، ۱۵۵-۱۶۸.

مجله صنایع
پژوهش‌های ایران

دوفصلنامه علمی هنرهای صنایع ایران

سال ششم، شماره ۲، پیاپی ۱۱

پاییز و زمستان ۱۴۰۲

سعیدی، زبیر، اکبری، فاطمه، چرخ، رحیم، و پورنامی، جواد. (۱۳۹۶). بررسی تطبیقی نقش شکارگاه در دو اثر فرش و نگارگری دوره صفوی. دو فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، ش. ۲۶، ۵۱-۷۴.

سیوری، راجر. (۱۳۹۴). ایران عصر صفوی. ترجمه کامبیز عزیزی. چاپ بیست و پنجم. تهران: نشر مرکز (نشر اثر اصلی ۱۹۸۰).

شریعت، زهرا. (۱۳۸۷). خطنگاره‌های قرآنی در قالی بافی و فلزکاری دوره صفویه. نشریه کتاب ماه هنر، ش. ۱۲۰، ۴۴-۵۵.

شعبانی، رضا، و کاووسی، سیده زهرا. (۱۴۰۰). حقوق جامعه اقلیت دینی و مذهبی در تاریخ معاصر ایران. فقه و حقوق نوین، ۲ (۶)، ۴۱-

doi: 10.22034/JAML.2021.246510.۶۳

عسگرزاد، منیر. گذشتی، محمدعلی. (۱۳۹۳). بررسی بن‌مایه‌های زیبایی‌شناسی هنر و ادبیات. فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی، ش. ۲۰، ۱۶۳-۱۸۱.

علی‌پور، مرضیه. (۱۳۹۲). بررسی تأثیر فلزکاری مکتب خراسان بر فلزکاری دوره صفویه. دو فصلنامه پژوهش هنر، ش. ۶، ۳۱-۴۵.

عموئیان، فروغ. (۱۳۹۹). مضامین شیعی در کاسه‌های فلزی دوره صفویه. فصلنامه علمی پژوهشی شیعه‌شناسی، ش. ۷۲، ۱۳۷-۱۶۴.

----- (۱۴۰۰). پژوهشی در تبیین مولفه‌های موثر در تداوم و تحول هنر فلزکاری در دوره صفوی (با تأکید بر کاسه‌ها و جام‌ها). پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

عموئیان، فروغ، بلخاری‌قهی، حسن، و آژند، یعقوب. (۱۴۰۱). تحلیلی بر صور تحول در فلزکاری دوره صفویه (با تأکید بر کاسه‌ها و جام‌ها).

فصلنامه نگره، ۱۷ (۶۴)، ۱۲۷-۱۴۱. doi: 10.22070/negareh.2021.14281.2737

فراست، مریم. (۱۳۸۴). بررسی مضامین خطنگاره‌های شمعدان‌ها و قندیل‌های دوران صفوی موزه ملی. دو فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، ش. ۳، ۶۱-۷۶.

فلسفی، نصرالله. (۱۳۵۳). زندگانی شاه عباس اول. چاپ سوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

قائینی، فرزانه. (۱۳۸۸). سکه‌شناسی دوره صفویه. تهران: نشر پازینه.

ملکیان شیروانی، اسدالله. (۱۳۸۵). پژوهشی در پیوستگی در فلزکاری دوره صفوی. در رناتا هولد، مجموعه مقالات اصفهان در مطالعات ایرانی، ترجمه محمدتقی فرامرزی و سید داوود طباطبایی. تهران: فرهنگستان هنر.

نایب‌زاده، راضیه، و سامانیان، صمد. (۱۳۹۵). نقش و مفهوم اژدها در بافته‌های ایران و چین با تأکید بر دوره صفوی ایران و اواخر دوره مینگ و اوایل چینگ چین. دو فصلنامه مطالعات تطبیقی هنر، ۶ (۱۱)، ۶۹-۸۴.

نوروزی‌طلب، علیرضا، و افروغ، محمد. (۱۳۸۹). بررسی فرم، تزئین و محتوا در هنر فلزکاری دوران سلجوقی و صفوی. دو فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، ۷ (۱۲)، ۱۱۳-۱۲۸.

وندشعاری، علی. (۱۴۰۰). تحلیلی بر نوشتار سیاحان غربی درباره فرش ایران در اواخر آق قویونلو و دوره صفویه. هنرهای صناعی ایران، ۴

doi: 10.22052/HSI.2022.245994.0.۸۸-۷۵. (۲)

ویلسون، ج. کریستی. (۱۳۶۶). تاریخ صنایع ایران. ترجمه عبدالله فریار. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی (نشر اثر اصلی ۱۹۳۸).

یاوری، حسین. (۱۳۹۱). فلزکاری. تهران: انتشارات سوره مهر.

Herbert, T. (1928). *Travels in Persia 1627- 1629*. London.

Melikian Chirvani, A. S. (1982). *Islamic Metalwork from the Iranian World 8th- 18th Centuries*. London: Victoria and Albert Museum Catalogue.

Melvin- Koushki, M. (2020). Is (Islamic) Occult Science? *Technology and Science*, 2 (18), 303-324.

منابع اینترنتی

URL1 : www.vam.ac.uk

URL2 : www.hermitagemuseum.org

URL3 : www.messnegar.com

References

- Afrough, M. (2012). *Seljuk and Safavid era metalwork*. Tehran: Jamal Hanar publishing house [In Persian].
- Afrough, M., & Nowruzitalab, A. (2010). *Islamic-Iranian identity in Safavid era metalwork: With an Emphasis on metalwork's inscriptions*. National Studies, 11 (44), 73-100. A [In Persian].
- Alipur, M. (2012). *Investigating Khorasan school metalworking effect on Safavid metalworking*. research of art, Vol. 6, 31-45 [In Persian].
- Amoian, F. (2021). *Research on the explanation of the effective components in the continuity and transformation of Safavid metalworking (with an emphasis on bowls and cups)*. College of Fine Arts, University of Tehran, Iran [In Persian].
- Amouian, F., Bolkhari-gahi, H., & Azhand, Y. (2020). *Shia themes in metal bowls of the Safavid period*. Scientific Research of Shia Studies, no. 72, 137-164 [In Persian].
- (2022). *An Analysis of the Evolution Forms of Metalworking Art throughout the Safavid Era (With an Emphasis on Bowls and Cups)*. Negre, 17 (64), 127-141. doi: 10.22070/negareh.2021.14281.2737 [In Persian].
- Ansari, M. (2013). *The manifestation of Quranic concepts, mention and Islamic mysticism in the construction and decoration of prayer bowls of the Safavid era*. Sofaline, no. 1, 39-52 [In Persian].
- Asgarnejad, M. & Gozashti, M. (2013). *The theme study of the art and literature aesthetics*. Literary Aesthetics, vol. 20, 163-181 [In Persian].
- Bloom, J., and Blair, Sh. (2002). *Islamic art and architecture (2)*. (Y. Azhand, Trans.). Tehran: Samt Press. (1994) [In Persian].
- Ehsani, M. (2011). *Seven thousand years of metalworking art in Iran*. Tehran: Scientific and Cultural Press [In Persian].
- Farasat, M. (2005). *The themes investigating of the Safavid candlesticks and lanterns of the National Museum*. Journal of Islamic Art Studies, Vol. 3, 61-76 [In Persian].
- Herbert, T. (1928). *Travels in Persia 1627- 1629*. London.
- Hosseinibai, S. (2011). *The daily life study in Iranian painting from the late Timurid period to the late Safavid period* (unpublished master's thesis). Faculty of Art and Architecture, TarbiatModares University, Tehran, Iran [In Persian].
- Humbert, C., & Denizot, H. (2013). *Islamic ornamental design*. (K. Afsar, Trans.). Tehran: Yesavoli Press. (1980) [In Persian].
- Hyderabadian, Sh., & Abbasifard, F. (2009). *The art of Islamic metalwork*. Tehran: Sobhan Noor Press [In Persian].
- Hyderabadian, Sh. (2013). *The glory of metal, a selection of metalwork art works of Reza Abbasi Museum*. Photography by M.Mohammadkhani. Tehran: Sobhan Noor Press [In Persian].
- Irwin, R. G. (2010). *Islamic art*. (R.Azadfar, Trans.). SooreMehr Press; Research Institute of Islamic Culture and Art (1997) [In Persian].
- Ismailnejad, A. (2011). *Investigating the technology and aesthetics of metalwork in the Safavid period (unpublished master's thesis)*. Faculty of Arts, Shahid University, Tehran, Iran [In Persian].
- Javanian, M. (2011). *A comparative study of metalworks of the Seljuk and Safavid periods* (unpublished master's thesis). Faculty of Arts, Al-Zahra University, Tehran, Iran [In Persian].

- MelikianChirvani, A. S. (1982). *Islamic Metalwork from the Iranian World 8th- 18th Centuries*. London: Victoria and Albert Museum Catalogue.
- MelikianChirvani, E. (2006). *Safavid metalworking: A study in continuity*. In Renata Huld, a collection of Esfahan articles in Iranian studies, (M. Faramarzi and D. Tabatabai, trans.) Tehran: Art Academy [In Persian].
- Melvin-Koushki, M. (2020). *Is (Islamic) Occult Science? Technology and Science*, 2 (18), 303-324.
- Naibzadeh, R., and Samanian, S. (2015). *The role and concept of the dragon in Iranian and Chinese textiles with an emphasis on the Safavid period of Iran and the late Ming and early Qing periods of China*. Journal of Comparative Art Studies, 6 (11), 69-84 [In Persian].
- Nowruzitalab, A., & Afrough, M. (2010). *Examining the form, decoration and content in the metalwork art of the Seljuk and Safavid eras*. Journal of Islamic Art Studies, 7 (12), 113-128. B [In Persian].
- Phalsafi, N. (1974). *The life of Shah Abbas I*. Third edition. Tehran: Tehran University Press [In Persian].
- Qaini, F. (2009). *Numismatics of the Safavid era*. Tehran: Pazineh Press [In Persian].
- Saidi, Z., Akbari, F., Charkhi, R., & Pournami, J. (2016). *A comparative study of the hunting grounds role about Safavid carpet and painting*. Islamic Art Studies, Vol. 26, 51-74 [In Persian].
- Sarikhani, M. (2012). *Analytical research on the effects of Quranic verses on Iranian metal works in the Safavid and Qajar eras with reference to the metal works of the National Museum of Iran*. Iranian Archaeological Research, 3 (5), 155-168 [In Persian].
- Savery, R. (2015). *Iran under the Safavids*. (K. Azizi, Trans.). 25th edition. Tehran: Markaz Press. (1980) [In Persian].
- Shabani, R., & Kavousi, Z. (2021). *The religious minority community rights in Iran contemporary history*. Modern jurisprudence and Law, 2 (6), 41-63. doi: 10.22034/JAML.2021.246510 [In Persian].
- Shariat, Z. (2008). *Quranic calligraphy in Safavid carpet and metalwork*. KetabMahHonar, no. 120, 44-55 [In Persian].
- SkanderbeigMonshi. (1971). *History of Abbasid scholars*. second edition. Tehran: Amir Kabir Press [In Persian].
- Vandshoari, A. (2021). *Analysis of the writings of western tourists about Iran carpet in and Safavid periods AḡQoyunlu the late*. Journal of Iranian Handcrafts Studies, 4 (2), 75-88. doi: 10.22052/HSI.2022.245994.0 [In Persian].
- Wilson, J. C. (1987). *History of Iranian Handcrafts*. (A. Faryar, Trans.). Tehran: Islamic Revolution Press and Education. (1938) [In Persian].
- Yavari, H. (2011). *Metalworking*. Tehran, SooreMehrPress [In Persian].

URLs:

URL1 : www.vam.ac.uk

URL2 : www.hermitagemuseum.org

URL3 : www.messnegar.com

Structural Analysis and Comparison of Concepts in Safavid and Contemporary Engraving Works

Marjan Faghfouri

MA Graduate of Islamic Art, Soore University of Arts, Tehran, Iran. (Corresponding Author)/
marjan.faghfouri@yahoo.com

Mehran Houshiar

Associate Professor of Advanced Studies of Art, Soore University of Arts, Tehran, Iran.
houshiar@soore.ac.ir

Received: 28/09/2023

Accepted: 06/02/2024

Introduction

In the Safavid period, the development of Islamic art and civilization is perceived in various fields. With the full support of Safavid kings that the artists of various fields enjoyed, Iranian productions quickly developed and reached European markets. In this era, one can perceive a renaissance occurring in theme creation by metalwork artists. In terms of aesthetics, Safavid calligraphy used rich performance skills that relied on the support of the art of illustration. Therefore, Iran's calligraphy during the Safavid era reached its peak of prosperity, even though it declined to a large extent during the Qajar era. The art of engraving has recently revived in the contemporary era so much so that an unprecedented flourishing of the art of engraving can be seen in all styles and on all kinds of metals. Due to the countless similarities of the cultural and religious context of Iran in these two historical periods, the examples of works of engraving of both periods have been studied in a specific frame. The purpose of this research is to find the structural similarities and structural differences of these works in an analytical approach.

Research Method

The method of this research is a combination of historical, descriptive, comparative, and analytical. The method of gathering information includes library study (using the results of previously published articles) and field study (observation and interview). Like other Iranian works of art, the engraved works of the Safavid era are scattered in various museums all over the world. The samples studied in this research included works in Victoria and Albert Museum in London, in the Hermitage Museum in Russia, and in the Islamic-period section of Ancient Iran Museum. The existence of engraved works of the Safavid period was more in the above three museums, probably due to the broad transaction at time of the Safavid dynasty with the world, especially Europe. Also, the studied examples had superior artistic and visual values compared to production and market works in the same period. Contemporary samples also belong to the works presented to "Mesnegar Gallery of Tehran." Tehran "Mesnegar Gallery" was established in 1371 AH with the aim of presenting the prominent works of contemporary Iranian metalwork artists. This gallery displays the magnificent works of Iranian artists unique in the world. The artworks of this gallery have been welcomed in exhibitions in Germany, Italy, Canada, Japan, Mexico, Argentina, Sweden, and Saudi Arabia. The features, distinguishing Mesnegar Gallery from other galleries and persuading us to choose this gallery as a statistical sample of this research, includes the following:

- 1) While following the authentic and traditional style of Iranian engraving, those artists who entered Mesnegar Gallery move on the border- line of tradition and modernism.
- 2) Mesnegar Gallery introduces famous Iranian artists by holding annual exhibitions.
- 3) In the sales expose of this gallery, Iranian collectors buy the works of artists and present and introduce them in art auctions abroad.

مجله هنرهای سنتی ایران

دوفصلنامه علمی هنرهای سنتی ایران

سال ششم، شماره ۲، پیاپی ۱۱

پاییز و زمستان ۱۴۰۲

۱۶۵

4) So far Mesnagar Gallery has directly or indirectly participated in tens of domestic and foreign exhibitions.

Research Findings

From the analysis of research findings, it can be concluded that Safavid engravings have two principles of Shi'ism and nationalism from the point of view of the theme. First, the interaction of Nasta'liq calligraphy with Persian poems created metal objects ultimate elegance while indicating the existence of artists who were committed to the land of Iran and its historical traditions; second, the engraving art explained the religious principles of the Shia by using lines of Naskh and Suls, which added to the religious weight of these works. The existence of the inscriptions of Quranic verses in the contemporary era, influenced by the government's emphasis on the unity of religions, describes Islamic themes. Shia themes are less visible in the contemporary engraving works. On the other hand, the Safavid engraving has contained Shia themes by the repeated use of the great salutations (Salawat Kabira) and Nad Ali's prayer inscription on many works. Where the Safavid artisan artists repeatedly engraved religious inscriptions on the cash-pot (in order to bless and earn a halal livelihood), a deep semantic connection can be seen between the application and the theme. The Safavid metalwork artists made the necessities of daily life in various forms of metal and, then, engraved them. This occurred despite the fact that the contemporary works have a decorative aspect. In fact, in the Safavid period, "engraving" was a kind of decoration technique that served the artisan. It was form and content characteristics and showed the unique art and literary knowledge of its creators. However, the matter in the modern period is to recreate the precious "engraving" art regardless of its use. The contemporary artist uses his ability on traditional forms gracefully only in order to revive this art. Contemporary examples have only a decorative aspect. Contemporary artists have sought less to bring these objects into people's lives. Rather, the focus has been on more skillful repetitions. In the contemporary period, there is not much semantic connection between the creation of themes and the use of art objects. The visualization of heaven and the use of abstract themes are favorite subjects of contemporary engraving artists. The contemporary engravings through nature painting, scenography, hunting and battle scenes, and showing the daily life of ordinary people and the proletariat, create works inspired by Iranian painting of the Safavid era and the periods after that, which has also been affected by Western painting art. It seems that the engraving along with the flourishing and development of subjects in the art of Iranian painting, in addition to the significant image growth, has covered the body of Iranian metalwork with new implications. In both periods, there are a considerable number of works with Persian inscriptions, which have chosen the classical poems of Persian literature and the Nastaliq script.

Conclusion

The Safavid engraving works were committed to the Shia matter in the frequent use of the Nasta'liq script for Persian poems and in the use of the Suls and Naskh scripts for verses, supplications, names of imams, and great salutations. These works have been completely practical. The contemporary engravings thorough nature painting, scenography, hunting and battle scenes, showing the daily life of ordinary people and the proletariat, create works inspired by Iranian painting of the Safavid era and the periods after that. Literary and mystical themes are the pinnacle of engraving implication common in these two periods.

Keywords: engraving art, Safavid period, Iranian motifs, Shia's concept, contemporary art.